



سال‌ها قبل پرونده‌ای به دستم رسید که زن جوانی به قتل رسیده بود. جنایت در ورامین رخ داده بود و باگذشت يك سال از قتل، عامل جنایت شناسایی نشده بود. تحقیقات را آغاز کردم. با آن‌که يك سالی از جنایت می‌گذشت اما صحنه قتل خیلی از بین نرفته بود و فقط خون‌های محل جنایت شسته شده بود. ماجرا از این قرار بود که ساعت ۶ بعدازظهر یکی از روزهای مرداد، همسر شقایق به نام امین با موتورسیکلتش از محل کار به خانه برمی‌گردد. هر چه مرد جوان زنگ خانه را به صدا درمی‌آورد، کسی در را باز نمی‌کند و او با کلیدی که به همراه داشته، وارد خانه می‌شود.

جسد در نزدیکی در ورودی خانه‌ای قدیمی در انتهای کوچه‌ای بود که فقط سه خانه داخل آن بود. مرد جوان پس از باز کردن در خانه با جسد همسرش در يك متر و نیمی در ورودی مواجه می‌شود. با توجه به این‌که آثار خون شسته شده و جسد منتقل شده بود، سراغ تصاویری رفتیم که متخصصان تشخیص هویت در صحنه گرفته بودند. آن زمان مانند الان نبود که دوربین‌های حرفه‌ای و حتی سه‌بعدی در دست کارآگاهان باشد. آن زمان دوربین‌های قدیمی بود که تعداد محدودی می‌توانست عکاسی کند و کیفیت عکس‌ها هم خوب نبود. به همین علت محدودیت در عکسبرداری، قسمتی از تصاویر که شاید بخش مهمی بود، گرفته نمی‌شد.

آثار خونی که تصاویر گرفته بودند، نشان می‌داد مقتول تا در ورودی خود را رسانده تا راه نجاتی پیدا کند. آثار خون روی دستگیره در ورودی، این ماجرا را تایید می‌کرد اما بعدازآن فوت می‌کند و عامل جنایت او را حدود يك متر و نیم روی زمین می‌کشانند.

## نوشته‌ای مبهم

در بازرسی از خانه قدیمی که دیوارهایش رنگ و رو رفته و سیاه بود، موضوعی نظرم را جلب کرد. روی دیواری که جسد کنار آن بود، کنده‌کاری‌های جدیدی به چشم می‌خورد. کنده‌کاری که حدود يك متری بود و کلماتی مبهم روی آن دیده می‌شد. به نظر می‌رسید يك نوشته باشد اما مشخص نبود چه

چیزی نوشته شده است.

وسایل خانه به هم ریخته بود و نشان از درگیری بین مقتول و قاتل داشت. با توجه به سالم بودن درهای ورودی احتمال جنایت از سوی يك آشنا رنگ گرفت. امین، همسر مقتول مدعی شده بود صبح که از خانه خارج شده همسرش زنده بوده و وقتی به خانه برگشته با جسد او مواجه شده است. با آن‌که مدتی از جنایت می‌گذشت سراغ مغازه‌داران رفتیم. آنها به یاد داشتند که روز جنایت، هیچ سروصدایی که نشان از درگیری باشد از خانه مقتول نشنیده‌اند. با این اوصاف شاید زمان قتل طبق اظهارات همسر مقتول در زمانی که از خانه برای کار بیرون رفته بود، نباشد و جنایت در ساعت دیگری رخ داده باشد. اگر حدس ما درست از آب درمی‌آمد این نشان می‌داد امین در این قتل نقش دارد.

## اظهارات متناقض

زمانی که از امین تحقیق کردیم او بسیار مضطرب و نگران به نظر می‌رسید. رنگ‌پریده او و اظهارات متناقضش بیشتر ما را به او مشکوک کرد. از امین درباره نوشته‌های روی دیوار پرسیدم و او با این‌که واقعا نوشته‌ها خوانا نبود، گفت: نمی‌دانم اما شاید يك شعر از وحشی بافقی باشد و بعد از کمی فکر کردن گفت: جان من سنگ دل، دل به تو دادن غلط است.

از همکاران تشخیص هویت خواستم تصویر روی دیوار را بررسی کنند و آنها هم تایید کردند که شعری روی دیوارنوشته شده است. شعر، به هم ریختگی خانه، سالم بودن در ورودی، اظهارات متناقض همسر مقتول و مدارک دیگر این احتمال را مطرح می‌کرد که امین در این جنایت نقش داشته باشد.

## رد لاستیک موتورسیکلت

سؤالی که از همان تحقیقات اولیه ذهنم را مشغول کرد، این بود که چرا جسد يك متر و نیم روی زمین کشیده شده بود. اگر قاتل قصد خروج از خانه را داشت، می‌توانست کمی آن

را روی زمین بکشاند تا راهی برای خودش باز کند اما این میزان کشیدن جسد نشان می‌داد وسیله بزرگ‌تری قصد خروج از خانه را داشته است. چیزی مانند موتورسیکلت متهم که جسد شقایق مانعی برای خروج آن بوده است. اگر این فرضیه من درست از آب درمی‌آمد، بی‌شک باید رد لاستیک در خون‌های روی زمین دیده می‌شد. درست بود که خون‌ها شسته شده بود اما از صحنه تصویر گرفته بودند و سراغ عکس‌ها رفتیم. چون زمانی که تیم جنایی به محل رسیده بود، عصر بود، هوا خیلی روشن نبود و کیفیت نور برای عکس‌ها خوب به نظر نمی‌رسید اما در نهایت داخل یکی از عکس‌ها رد لاستیک را پیدا کردیم. دیگر مطمئن بودیم امین در این جنایت نقش دارد و همسرش را به قتل رسانده است.

## جلوگیری از اعتراف

تحقیقات ما تکمیل شده بود و همه چیز نشان می‌داد قاتل، همسر شقایق است که در این مدت سعی کرده بود با صحنه‌سازی مسیر تحقیقات را تغییر دهد. اما درست در همین موقع پدر امین خبر از خودکشی پسرش داد. او گفت: وقتی شقایق کشته شد، امین با من تماس گرفت و از جنایت ناخواسته‌اش گفت. آنها شب حادثه باهم دعوایشان می‌شود و حدود ساعت ۳ صبح عصبانیت و درگیری امین با همسرش منجر به قتل ناخواسته شقایق می‌شود. پسرم قصد اعتراف داشت اما من چون او تنها فرزندم بود، اجازه ندادم این کار را انجام دهد. عذاب وجدان در نهایت دست از سر پسرم برنداشت و باعث شد او به زندگی‌اش پایان دهد. امین، همسرش را خیلی دوست داشت و از این اتفاق واقعا ناراحت بود.

با مرگ امین، پرونده این جنایت بسته شد، گرچه متهم سعی کرده بود تمام مدارک و شواهد را از بین ببرد اما در نهایت راز قتل زن جوان برملا شد. به این ترتیب پرونده‌ای دیگر بسته و راز آن فاش شد.

یک

مرد جوان که همسرش را کشته و برای مرگ او صحنه سازی کرده بود، وقتی فهمید راز جنایتش فاش شده، قبل از اینکه دستگیر شود خودکشی کرد

رو